

رابطه صفات شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی و وسواس مرگ:

آزمون یک الگوی علی

علی عیسی‌زادگان* / حمزه سلمان‌پور** / ابوالفضل قاسم‌زاده***

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین صفات شخصیتی و وسواس مرگ با توجه به نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی است. براین اساس، به حجم ۴۸۴ نفر (۲۴۶ دختر و ۲۳۸ پسر) به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. مقیاس وسواس مرگ، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی و پرسش‌نامه پنج عاملی شخصیت نئو به روش گروهی توسط آزمودنی‌ها تکمیل شده است. اعتبار و روایی پرسش‌نامه‌های مذکور احراز شده است. نتایج اجرای همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی)، صفات شخصیتی (روان‌رنجوری، سازگاری، گشودگی به تجربه، برون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری) و وسواس مرگ (نشخوار مرگ، سلطه مرگ و عقابند تکراری مربوط به مرگ) دویه دو با هم همبستگی دارند ($P < 0/01$). با اجرای الگوی معادلات ساختاری برای آزمون، رابطه صفات شخصیت با وسواس مرگ از طریق متغیر میانجی جهت‌گیری مذهبی، مشخص شده که الگوی پیشنهادی از برازش خوبی بهره‌مند بوده و وسواس مرگ از طریق بعد تجربه‌پذیری شخصیت و جهت‌گیری مذهبی پیش‌بینی و تبیین شده است ($GFI=0/91$) و ($RSMEA=0/06$).

کلید واژه‌ها: صفات شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی، وسواس مرگ و الگوی علی

Ali_Issazadeg@yahoo.com

* استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد نقده

*** دانشجوی دکتری

دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۲۵

مقدمه

مرگ یکی از مسائل واقعی است که به عنوان یک انگیزش بنیادی در زندگی انسان سهم بسزایی داشته و آگاهی از محدودیت هستی بشر یا آگاهی از فناپذیری، روی افکار و رفتار تأثیر قابل توجهی دارد.^۱ بر اساس نظریه مدیریت وحشت،^۲ یادآوری فناپذیری با افزایش استرس‌پذیری افکار مرگ، به تولید اضطراب فوق‌العاده‌ای منجر می‌شود به گونه‌ای که افراد را در جهت کاهش آن برمی‌انگیزد.^۳ این ترس می‌تواند با بهزیستی وجودی و معنوی ارتباط داشته باشد. رویکرد وجودگرایی،^۴ در ساختاری پوششی شبیه روان‌تحلیل‌گری، خاستگاه اضطراب را مسائل هستی‌شناختی، نیازهای پاسداشت وجود «خود» و نگرانی‌های نهایی تشکیل‌دهنده روان‌پویه‌های وجودی،^۵ چون مرگ، تنهایی و بی‌معنایی می‌داند که اضطراب را فرا می‌خواند. از نظر هر دو نظام (روان‌تحلیل‌گری و وجودگرایی) اضطراب باعث شکل‌گیری آسیب‌های روانی می‌شود. در این دیدگاه، اضطراب یا نگرانی از مرگ شاید به سبب آگاهی وجودی از نیستی است.^۶ ترس از مرگ، پدیده‌ای جهانی و بخش جدانشدنی از زندگی بشری است که ماهیت تجربه‌ناپذیر دارد. هر جاننداری سرانجام باید بمیرد، ولی از میان تمام موجودات زنده، تنها انسان از این واقعیت آگاه است.^۷ ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۷ ق) در رساله *الشفاء من خوف الموت* به حقیقت مرگ و ترس از آن پرداخته و بزرگ‌ترین ترس را برای انسان، ترس از مرگ دانسته است.^۸ مطالعات حاصل از مرگ‌شناسی^۹ که رشته تخصصی بین‌رشته‌ای است، نشان می‌دهد که پریشانی مرگ^{۱۰} از نگرش‌های منفی درباره مرگ نشئت گرفته و با حالات هیجانی ترس و اضطراب همراه است. در نیم قرن گذشته، تلاش علمی بسیاری در خصوص ماهیت و ساختار، همبسته‌ها و سنجه‌های مربوط به مرگ انجام شده است که می‌توان به دو نوع آن، یعنی «اضطراب مرگ» و «افسردگی مرگ» اشاره کرد.^{۱۱}

یکی از مؤلفه‌های دیگر مرگ که توسط *عبدالخالق*^{۱۲} مطرح شده، وسواس مرگ^{۱۳} است. وسواس مرگ دربرگیرنده افکار تکراری یا نشخوار، عقاید مقاوم یا تصاویر مزاحم حول و حوش مرگ خود یا عزیزان است که در سه عامل: نشخوار مرگ^{۱۴}، سلطه مرگ^{۱۵} و عقاید تکراری مربوط به مرگ^{۱۶} خلاصه می‌شود.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در خصوص نگرش و واکنش به پدیده مردن و مرگ به شکل‌های طبیعی یا روان‌رنجورانه، تفاوت‌های فردی وجود دارد که در این خصوص می‌توان به شخصیت و نگرش‌های مذهبی اشاره کرد. برای مثال، به نظر می‌رسد دیدگاه نظری فرد درباره مذهب می‌تواند با وسواس مرگ ارتباط داشته باشد. مرگ برای افراد

مذهبی، تنها غروب نیست، بلکه غروب و طلوع هم‌زمان است. حقیقت مرگ از نظر افراد دین‌دار، فقط انهدام نیست، بلکه انتقال نیز می‌باشد. آلپورت^{۱۷} بیان می‌کند که در دو سطح می‌توان از مذهب صحبت کرد: «جهت‌گیری مذهبی درونی»^{۱۸} که شامل تجربه کردن مذهب به منزله عامل انگیزش مهم در زندگی فردی بوده و کاملاً در زندگی درونی شده و عملی است، و «جهت‌گیری مذهبی بیرونی»^{۱۹} که معادل مذهب، رشد نیافته و شامل استفاده از مذهب برای دستیابی به حمایت اجتماعی است.^{۲۰} تحقیقات متعدد، چه در ایران و چه در خارج، نشان می‌دهند که رابطه مثبت و معناداری بین مذهبی بودن و سلامت روانی وجود دارد، چنان‌که ۳۴ درصد از ۱۳۰ مطالعه انجام‌شده، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار دین‌داری بر افسردگی و اضطراب است.^{۲۱} امونز^{۲۲} معتقد است که دین تا حدودی به این علت که یکپارچگی شخصیت را فراهم می‌سازد، موجب افزایش بهزیستی می‌شود.

همچنین جهت‌گیری مذهبی با مؤلفه‌های شخصیتی نیز در پژوهش‌هایی بررسی شده است. نتایج به دست آمده در خصوص رابطه جهت‌گیری مذهبی با شخصیت، نشان می‌دهد که بین دین‌داری و بعضی صفات شخصیتی، رابطه وجود دارد. آیزنک^{۲۳} معتقد است که بین انعطاف‌پذیری و نگرش‌های مذهبی، رابطه وجود دارد. جورم و کریستن^{۲۴} چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که رابطه منفی بین دین‌داری و روان‌پریشی خوبی وجود دارد. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رابطه منفی بین روان‌پریشی خوبی و جهت‌گیری مذهبی درونی وجود دارد.^{۲۵} سایر پژوهش‌ها نیز همبستگی و رابطه بین دین‌داری و برون‌گرایی، عامل G در نظریه شانزده عاملی کتل با جهت‌گیری مذهبی را نیز گزارش کرده‌اند.^{۲۶}

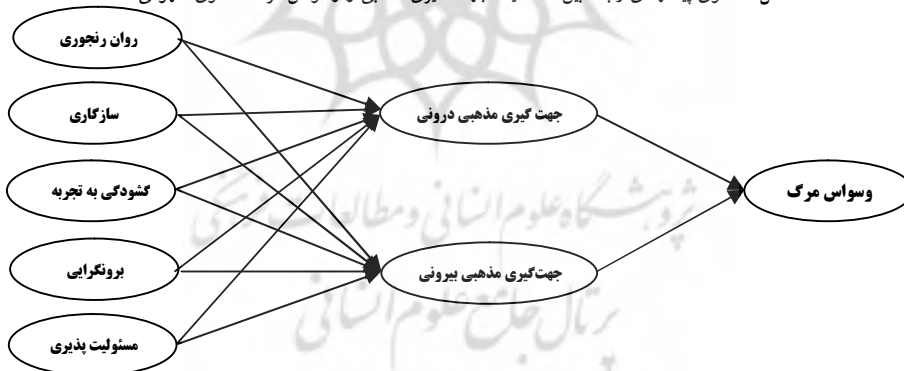
پژوهش‌ها در خصوص الگوی پنج عاملی شخصیت نیز نشان می‌دهند که جهت‌گیری مذهبی درونی با بعد سازگاری^{۲۷}، مسئولیت‌پذیری^{۲۸} و برون‌گرایی مرتبط است و جهت‌گیری مذهبی بیرونی به طور خاصی ارتباط مثبتی با روان‌رنجوری^{۲۹} دارد.^{۳۰} ساراغلو^{۳۱} در مطالعه‌ای فراتحلیلی بین جهت‌گیری مذهبی و شخصیت، به این نتیجه دست یافته که دین‌داری با برون‌گرایی، سازگاری، مسئولیت‌پذیری و گشودگی به تجربه رابطه مثبت و با روان‌نژندی رابطه منفی دارد.^{۳۲} عباسی و جان بزرگی^{۳۳} دریافته‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که از میان پنج عامل بزرگ شخصیتی، سازگاری و مسئولیت‌پذیری پایاترین همبستگی را با دین‌داری دارد. بین پایداری هیجانی و جهت‌گیری مذهبی نیز رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه جهت‌گیری مذهبی افراد درونی‌تر باشد پایداری هیجانی بیشتر است.^{۳۴} در بررسی وسواس مرگ و رابطه آن با جهت‌گیری مذهبی در

دانشجویان انگلیسی به این نتیجه رسیده‌اند که بین جهت‌گیری مذهبی، بیرونی و وسواس مرگ رابطه وجود دارد. آنها در خصوص بررسی رابطه وسواس مرگ با ویژگی‌های شخصیتی، همبستگی مثبت معناداری بین روان رنجور خوویی آیزنک با $r=0/35$ گزارش کرده‌اند. عبدالخالقی با بررسی وسواس مرگ بین افراد عادی، بیماران مبتلا به اختلالات اضطرابی، اسکیز و فرنیا و سوء‌مصرف مواد، به این نتیجه رسیده که بیماران اضطرابی در مقایسه با سایر گروه‌ها نمره‌های بالاتری در وسواس مرگ دارند.^{۳۰} محمدزاده و نجفی نشان داده‌اند که وسواس با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، رابطه مثبت، و با جهت‌گیری مذهبی درونی، رابطه منفی دارد.^{۳۱}

به طور کلی می‌توان گفت که ارتباط بین ابعاد شخصیت با وسواس مرگ و جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی غالب افراد، می‌تواند به عنوان عامل میانجی در این ارتباط اثرگذار باشد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش میانجی‌گری جهت‌گیری مذهبی در رابطه بین صفات شخصیتی و وسواس مرگ است. بر این اساس، اولاً: فرض می‌شود که مؤلفه‌های صفات شخصیتی (روان‌رنجوری، سازگاری، گشودگی به تجربه، برون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری) بر جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی دانشجویان تأثیر دارند. ثانیاً: جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی نیز بر وسواس مرگ تأثیر می‌گذارند. با توجه به این امر، جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی به عنوان میانجی ارتباط بین ابعاد شخصیت و وسواس مرگ در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به مطالب فوق، الگوی پیشنهادی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است. در پژوهش حاضر جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی و وسواس مرگ (متغیرهای درون‌زا) و پنج عامل شخصیت (متغیرهای برون‌زا) در نظر گرفته شده‌اند.

شکل ۱: الگوی پیشنهادی رابطه بین شخصیت، جهت‌گیری مذهبی و وسواس مرگ (الگوی مفهومی)



روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی با استفاده از روش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری^{۳۷} است. این روش‌ها در سال‌های اخیر به علت انعطاف‌پذیری بالا در مقایسه با روش‌های قدیم‌تر، مانند رگرسیون چندگانه، توانایی شناسایی و کنترل خطاهای اندازه‌گیری و بررسی و آزمون روابط پیچیده با چندین متغیر وابسته و مستقل، در پژوهش‌های مربوط به فناوری اطلاعات محبوبیت زیادی کسب کرده‌اند.^{۳۸}

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دختر و پسر بوده که در دانشگاه‌های آزاد و پیام نور شهر نقده در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ مشغول به تحصیل بوده‌اند. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌ای است. حجم نمونه انتخاب شده با در نظر گرفتن معیارهای جدول نمونه‌گیری گرجسی - مورگان ۴۸۴ نفر است. آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت، متشکل از ۲۴۶ زن با میانگین سنی ۲۴/۶۰ و انحراف معیار ۵/۷۱ و ۲۳۸ مرد با میانگین سنی ۲۵/۸ و انحراف معیار ۶/۸۰ بوده است. میانگین سنی و انحراف معیار کل نمونه نیز ۲۵/۲ و ۶/۳ می‌باشد.

ابزارهای اندازه‌گیری

۱. مقیاس وسواس مرگ^{۳۹} (DOS): این مقیاس شامل پانزده ماده است که برای سنجش اشتغالات ذهنی، تکانه‌ها و عقاید مقاوم مربوط به مرگ ساخته شده است و وضعیت‌ها را بر پایه مقیاس پنج ماده‌ای از نوع لیکرت می‌سنجد. در این مقیاس، «یک» معادل «اصلاً» و «پنج» معادل «خیلی زیاد» است. دامنه نمره‌های بین ۱۵-۷۵ قرار دارد. مقیاس وسواس مرگ سه عامل دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: نشخوار مرگ، سلطه مرگ و عقاید تکراری مربوط به مرگ. عبدالخالق^{۴۰} در فرهنگ اصلی، ضریب همسانی درونی این مقیاس و عوامل آن را ۰/۹۰ و بیشتر گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرانباخ برای مؤلفه نشخوار مرگ (۰/۸۳)، سلطه مرگ (۰/۷۰) و عقاید تکراری مربوط به مرگ (۰/۷۲) به دست آمده است. علاوه بر این، برای بررسی اعتبار این ابزار از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است که شاخص نیکویی برازش^{۴۱} (GFI) (۰/۹۷)، نیکویی برازش تعدیل یافته^{۴۲} (AGFI) (۰/۹۴)، شاخص برازش تطبیقی^{۴۳} (CFI) (۰/۹۸) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^{۴۴} (RMSEA) (۰/۰۶) به دست آمده که نشان‌دهنده برازش مناسب این ابزار است.

۲. پرسش نامه جهت گیری مذهبی آلپورت: این مقیاس، بیست ماده دارد که جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی را می سنجد. همچنین دو زیر مقیاس نه و یازده عبارتی دارد. یازده گزینه آن به جهت گیری مذهبی بیرونی، و نه گزینه آن به جهت گیری مذهبی درونی مربوط می شود. در این مقیاس، گزینه ها بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شده اند. در نمره گذاری جهت گیری مذهبی بیرونی، کاملاً مخالفم ۱، تقریباً مخالفم ۲، تقریباً موافقم ۴، کاملاً موافقم ۵، سؤال های بی پاسخ ۳. و در نمره گذاری جهت گیری مذهبی درونی کاملاً موافقم ۱، تقریباً موافقم ۲، تقریباً مخالفم ۴، کاملاً مخالفم ۵، سؤال های بی پاسخ ۳ است.^{۴۵} اعتبار این پرسش نامه توسط جان بزرگی^{۴۶} بررسی و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ و با روش بازآزمایی ۰/۷۴ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه سوگیری مذهبی درونی ۰/۷۹ و برای سوگیری مذهبی بیرونی ۰/۷۳ به دست آمده است. علاوه بر این، برای بررسی اعتبار این ابزار از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است که شاخص نیکویی برازش (GFI) (۰/۹۴)، نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) (۰/۹۱)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) (۰/۹۴) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) (۰/۰۶) به دست آمده که نشان دهنده برازش مناسب این ابزار است.

۳. پرسش نامه پنج عاملی شخصیت NEO-FFI: این پرسش نامه پنج عامل اصلی روان رنجوری (N)، برون گرایی (E)، گشودگی به تجربه (O)، سازگاری (A) و مسئولیت پذیری (C) را ارزیابی می کند. این آزمون دو فرم بلند (شامل ۲۴۰ سؤال) و کوتاه (شامل ۶۰ سؤال) دارد. این ابزار با مقیاس پنج گزینه ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) پاسخ داده می شود.^{۴۷} در پژوهش حاضر از فرم کوتاه پرسش نامه استفاده شده است. همسانی درونی این آزمون برای عوامل N، E، O، A و C به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ گزارش شده است.^{۴۸} در ایران نیز گروسی ساختار پنج عاملی این پرسش نامه را به صورت کلی تأیید کرده و ضرایب همسانی درونی آن را به روش آلفای کرونباخ برای عوامل اصلی به ترتیب (N) ۰/۸۶، (E) ۰/۷۳، (O) ۰/۵۶، (A) ۰/۶۸ و (C) ۰/۸۷ گزارش کرده است.^{۴۹} در روش بازآزمایی کوتاه مدت، ضریب همبستگی نمره های نوبت اول و نوبت دوم که با فاصله بین ۲ - ۳ هفته اجرا شده برای هر یک از عوامل به ترتیب برابر با (N) ۰/۸۴، (E) ۰/۸۲، (O) ۰/۷۷۸، (A) ۰/۶۵ و (C) ۰/۸۶ گزارش شده است.^{۵۰}

نتایج

هدف این تحقیق بررسی رابطه بین صفات شخصیتی و وسواس مرگ با توجه به نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی بوده است. برای بررسی این رابطه از مدل معادلات ساختاری به روش بیشینه احتمال (ML) استفاده شده است. برای آزمون مدل ساختاری از شاخص‌هایی که گیفن و همکاران^{۱۵} مطرح نموده‌اند، استفاده شده است. این شاخص‌ها شامل موارد زیر هستند: X^2/df که مقادیر کمتر از ۳ قابل پذیرش هستند، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۹ نشان‌دهنده برازش مناسب الگوی هستند، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۸ قابل قبول هستند، شاخص برازش ایجاز (PNFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۶ نشان‌دهنده برازش مناسب الگوی هستند و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) که مقادیر کمتر از ۰/۰۸ نشان‌دهنده برازش مناسب الگو هستند. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرها) محاسبه و نشان داده شده است.

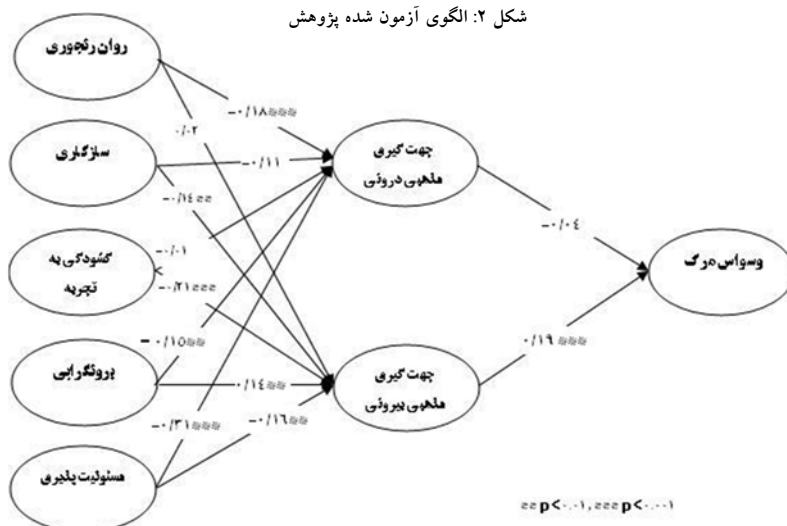
جدول ۱: ماتریس همبستگی‌های متقابل و میانگین، انحراف معیار متغیرهای مشاهده شده

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. وسواس مرگ	۳۱/۱۱	۱/۶	۱										
۲. نشخوار مرگ	۱۵/۳۹	۶/۴۱	۰/۹۵۰۰	۱									
۳. سلطه مرگ	۱۰/۲۲	۳/۷۱	۰/۸۵۰۰	۰/۶۹۰۰	۱								
۴. عقاید تکراری مربوط به مرگ	۵/۴۹	۲/۶۸	۰/۸۱۰۰	۰/۷۰۰۰	۰/۲۷۰۰	۱							
۵. جهت‌گیری مذهبی درونی	۲۰/۶۳	۶/۳۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۱						
۶. جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۲۸/۰۹	۵/۸۶	۰/۱۲۰۰	۰/۱۳۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۳	۰/۰۰۲	۱					
۷. روان‌رنجوری	۳۳/۴۷	۸/۳۹	۰/۴۲۰۰	۰/۳۶۰۰	۰/۱۲۰۰	۰/۰۳۶۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۱				
۸. برون‌گرایی	۳۰/۹۰	۵/۶۳	۰/۱۰۰۰	۰/۱۰۰۰	۰/۱۲۰۰	۰/۱۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲	۱			
۹. تجربه‌پذیری	۲۵/۳۴	۴/۴۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۱		
۱۰. سازگاری	۳۰/۰۵	۵/۲۳	۰/۰۲۰۰	۰/۰۱۹۰۰	۰/۰۲۱۰۰	۰/۰۲۰۰	۰/۰۱۶۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۱	
۱۱. مسئولیت‌پذیری	۳۱/۰۲	۶/۰۵	۰/۰۷۰۰	۰/۰۷۰۰	۰/۰۷۰۰	۰/۰۷۰۰	۰/۰۳۱۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۱

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در خصوص رابطه صفات شخصیتی با وسواس مرگ، از بین صفات شخصیتی بالاترین همبستگی‌های مشاهده شده به ترتیب مربوط به رابطه روان‌رنجوری ($R=0/42$)، سازگاری ($R=-0/22$)، مسئولیت‌پذیری ($R=-0/17$)، برون‌گرایی ($R=-0/15$)، و تجربه‌پذیری ($R=-0/02$) با وسواس مرگ است. همان‌طور که گزارش شده، کلیه همبستگی‌های موجود نیز در سطح ۰/۰۱ معنادار است. در شکل ۴ الگوی آزمون شده پژوهش گزارش شده است.

شکل ۲: الگوی آزمون شده پژوهش



در جدول ۲ آثار مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۲: آثار مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرهای تحقیق

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
به روی وسواس مرگ از:				۰/۰۴
جهت گیری مذهبی درونی	-۰/۰۴	-	-۰/۰۴	
جهت گیری مذهبی بیرونی	۰/۱۹***	-	۰/۱۹***	
روان رنجوری	-	۰/۰۱	۰/۰۱	
برونگرایی	-	۰/۰۳	۰/۰۳	
تجربه پذیری	-	-۰/۰۴**	-۰/۰۴**	
سازگاری	-	-۰/۰۲	-۰/۰۲	
مسئولیت پذیری	-	-۰/۰۲	-۰/۰۲	
به روی جهت گیری مذهبی درونی از:				۰/۱۶
روان رنجوری	-۰/۱۸***	-	-۰/۱۸***	
برونگرایی	-۰/۱۵**	-	-۰/۱۵**	
تجربه پذیری	-۰/۰۱	-	-۰/۰۱	
سازگاری	-۰/۱۱	-	-۰/۱۱	
مسئولیت پذیری	-۰/۳۱***	-	-۰/۳۱***	
به روی جهت گیری مذهبی بیرونی از:				۰/۱۰
روان رنجوری	۰/۰۲	-	۰/۰۲	
برونگرایی	۰/۱۴**	-	۰/۱۴**	
تجربه پذیری	-۰/۲۱***	-	-۰/۲۱***	
سازگاری	-۰/۱۴**	-	-۰/۱۴**	
مسئولیت پذیری	-۰/۱۶**	-	-۰/۱۶**	

** p<0.01, *** p<0.001

با توجه به جدول فوق، اثر مستقیم جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر وسواس مرگ مثبت و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است، اما اثر جهت‌گیری مذهبی درونی معنادار نیست. علاوه بر این، اثر غیرمستقیم تجربه‌پذیری بر وسواس مرگ نیز منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. از آنجا که این ارتباط از طریق جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی برقرار می‌شود، نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی در ارتباط بین تجربه‌پذیری و وسواس مرگ تأیید می‌شود. البته اثر غیرمستقیم دیگر ابعاد شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، سازگاری و مسئولیت‌پذیری) بر وسواس مرگ معنادار نیست. همچنین اثر مستقیم روان‌رنجوری، برون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری بر جهت‌گیری مذهبی درونی، منفی و معنادار است. اثر تجربه‌پذیری، سازگاری و مسئولیت‌پذیری نیز بر جهت‌گیری مذهبی بیرونی، منفی و معنادار می‌باشد، اما اثر برون‌گرایی بر این متغیر، مثبت است. همچنین با توجه به جدول ۲ جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی ۴ درصد از تغییرات وسواس مرگ را پیش‌بینی می‌کند. ابعاد شخصیت ۱۶ درصد از تغییرات جهت‌گیری مذهبی درونی و ۱۰ درصد از تغییرات جهت‌گیری مذهبی بیرونی را تبیین می‌کنند. در جدول ۳ نیز شاخص‌های برازش مدل آزمون شده گزارش شده است.

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش

RMSEA	PNFI	AGFI	CFI	GFI	X2/df
۰/۰۶	۰/۷۲	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۹۱	۲/۹۹

با توجه به جدول فوق و معیارهایی که گیفن و همکاران^۹ برای یک مدل مناسب معرفی کرده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون شده پژوهش حاضر از برازش مناسبی بهره‌مند است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از اجرای این پژوهش، بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با وسواس مرگ و صفات شخصیتی بوده است. روابط یادشده، هم از طریق همبستگی‌های ساده و هم از طریق الگوی معادلات ساختاری آزمون شده است. نتایج نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مشاهده شده الگو در هر سه متغیر نهفته با هم همبستگی دارند. بیشترین مقدار همبستگی مربوط به روابط متغیرهای مشاهده شده وسواس مرگ (نشخوار مرگ، سلطه مرگ و عقاید

تکراری مربوط به مرگ) با روان‌رنجور خوبی و وسواس مرگ با جهت‌گیری مذهبی بیرونی است، علاوه بر روابط تأییدشده فوق، روابط ساختاری بین صفات شخصیتی و وسواس مرگ با میانجیگری جهت‌گیری‌های مذهبی نیز آزمون شده، شاخص‌های برازش کلی نشان‌دهنده برازش الگوی پیشنهادی و فرضیه‌های مربوط است؛ یعنی اینکه روابط بین صفات شخصیتی و وسواس مرگ تحت تأثیر متغیر میانجی (جهت‌گیری مذهبی) است و ویژگی‌های جهت‌گیری مذهبی بیرونی یا درونی افراد بر مقدار رابطه بین صفات شخصیتی و وسواس مرگ اثرگذار است. علاوه بر این، کلیه ضرایب مسیر معنادار بوده است. این نتایج، اهمیت نقش متغیرهای شخصیتی و جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی و تبیین وسواس مرگ را نشان می‌دهد. در مجموع، در هر دو الگو، تأثیر شخصیت بر وسواس مرگ مثبت معنادار، تأثیر جهت‌گیری مذهبی درونی بر وسواس مرگ منفی و معنادار و تأثیر جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر وسواس مرگ مثبت و معنادار است و روابط بین شخصیت و وسواس مرگ از طریق جهت‌گیری مذهبی میانجیگری می‌شود.

یافته‌های به دست آمده، به‌ویژه در قسمت همبستگی‌ها، همخوان با تحقیقات مالتبی و دی،^{۵۳} عبدالخالق، عبدالخالق و لستر^{۵۴} عبدالخالق و الثابوه^{۵۵} محمدزاده و نجفی، هندل و فالکنهاین،^{۵۶} وینک و اسکات^{۵۷} همسوست. آنها هر کدام به نوعی بر اساس یافته‌های پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که باورهای مذهبی درونی در مقایسه با باورهای مذهبی بیرونی، کمتر از مرگ با سلامت روان و ترس رابطه دارند.

در تبیین یافته‌های فوق می‌توان چنین استدلال کرد که ارتباط وسواس مرگ با جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌تواند نشان‌دهنده رشد نایافتگی مذهبی افراد با اشتغالات ذهنی مرضی با مرگ باشد. در واقع، می‌توان اضطراب مرگ و نگرانی در خصوص مرگ و مردن را با باورهای متناقض و دو سوگرایانه مربوط به مرگ و زندگی پس از مرگ و نبود فلسفه شخصی از مرگ را با جهت‌گیری مذهبی بیرونی افراد مربوط دانست. پژوهش‌ها نشان می‌دهد کسانی که جهت‌گیری دینی متوسطی دارند یا کسانی که جهت‌گیری دینی مذهبی پایین دارند، بیشتر از افراد دین‌دار از مرگ می‌ترسند. از منظر دینی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز این موضوع قابل بحث است. از منظر دینی، افراد نه چندان مشتاق یا

بی‌ثبات در خصوص تعلیمات دینی، شک و تردیدهای زیادی درباره زندگی پس از مرگ، تنبیه یا پاداش پس از مرگ و بدون امید برای رستگاری دارند و این احتمالاً باعث می‌شود آنها از مرگ بیشتر بترسند. از منظر روان‌شناختی، عدم شکل‌گیری یک فلسفه و معنای زندگی قوی در خصوص مرگ موجب حس آسیب‌پذیری برای خود می‌شود که آن نیز می‌تواند شاخصی برای اضطراب مزمن باشد. از منظر جامعه‌شناختی افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی به علت عدم وابستگی و ارتباط با نهادهای اجتماعی احتمال بیشتری دارد که دچار نوعی بی‌ثباتی اجتماعی شوند که این آنها را بیشتر مستعد حالات روان‌رنجورانه می‌کند. افراد مذهبی، روان‌بنه‌های مذهبی دارند که می‌تواند به آنها در پردازش شناختی مرگ کمک کند. چنین می‌توان استنباط کرد که این روان‌بنه‌ها ارزیابی افراد را از فلسفه زندگی و مرگ تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی می‌تواند اضطراب‌های ناشی از اندیشیدن درباره مرگ را مهار کند. افراد مذهبی دارای جهت‌گیری درونی، روان‌بنه‌هایی دارند که چگونگی ارزیابی آنها را از رویدادهای تنیدگی تحت تأثیر قرار می‌دهد به قدری که این افراد رویدادها را کمتر تنش‌زا تلقی کرده و در نتیجه، نگرانی و اشتغال‌خاطر کمتری با مرگ دارند.

ارتباط بین سه متغیر صفات شخصی، وسواس مرگ و نقش میانجی‌گری جهت‌گیری مذهبی را می‌توان بر اساس نظریه شخصیت و تفاوت‌های فردی مبتنی بر نظریه سیستم اطلاعات رویسی و پاولز^۸ توضیح داد. بر اساس این نظریه، شخصیت به‌عنوان یک یکپارچه یا فراسیستم محسوب می‌شود که از شش سیستم حسی، حرکتی، شناختی، عاطفی، سبک و ارزش‌ها تشکیل شده است که با هم ارتباط متقابل دارند. سیستم شناختی، شامل ادراک‌سازی، مفهوم‌سازی و نمادین‌سازی است که با سیستم عاطفی، یعنی با ثبات هیجانی و استقلال هیجانی ارتباط متقابل دارد. همچنین این دو سیستم بر سیستم سبک که ممکن است عقلانی، تجربی و استعاره‌ای باشد، تأثیر می‌گذارد و این سیستم روی سیستم ارزش‌ها (جهت‌مند به خود، جهت‌مند به فعالیت، جهت‌مند به جامعه) اثر می‌گذارد. همه این فرایندها در مجموع بر یک فراسیستم با عنوان سیستم «معنای شخصی فرد»^۹ که شامل دیدگاه فرد درباره دنیا، مفهوم خود، سبک زندگی یا فلسفه زندگی است، تأثیر می‌گذارد. می‌توان چنین بحث کرد که این معنای شخصی است که بر سؤال‌های مهمی، مثل ماهیت و

واقعیت بودن و سؤال درباره‌ی خاستگاه و سرنوشت و به ویژه زندگی، مرگ و مردن اثر می‌گذارد. این ارتباطات در مجموع، سیستمی را شکل می‌دهند به نام سیستم «شبکه ارتباطی خود» که سیستم هدایت‌کننده است و در سیستم روانی تلفیق یافته (شخصیت) محسوب می‌شود که کارکرد عمده آن کنترل تصمیم است و فعالیت درونی و اعمال بیرونی فرد را هدایت می‌کند. سوگیری مذهبی بیرونی یا درونی، مربوط به سیستم ارزش‌هاست که بر سیستم سبک افراد، سیستم هیجانی و همچنین سیستم شناختی اثرگذار است. این فرایندها معنای شخصی افراد از هستی را شکل می‌دهند و نوع نگرش و واکنش افراد را در خصوص مرگ تحت تأثیر قرار می‌دهند. واکنش بهنجار یا روان‌رنجورانه در برابر پدیده مرگ را می‌توان با شبکه ارتباطی خود در نظر گرفت.

در جمع‌بندی از تحلیل‌ها می‌توان گفت که مذهب می‌تواند چارچوبی را برای نظام روان‌شناختی فرد فراهم کند که او را از طریق تقویت نیروی خویشتن‌داری به حالتی پایدار در عواطف و هیجان‌اتش سوق دهد. همچنین چنان‌که باورها، اعتقادات، مناسک مذهبی به شکل درونی در ساختار روانی افراد قرار گیرد، می‌تواند دست‌کم وحدت‌یافتگی فرد را تضمین و سلامت روانی وی را فراهم کند. تفسیر ویژه‌ای که فرهنگ و دین در اختیار فرد قرار می‌دهند، بر پردازش شناختی اطلاعات هیجانی او اثر می‌گذارند. جامعه آمار پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت شناختی متغیرهای مورد بررسی پیش می‌آورد که باید در نظر گرفته شود. نمونه مورد بررسی در این پژوهش، نمونه دانشجویی بوده و در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود. برای بررسی دقیق‌تر رابطه بین سوگیری مذهبی و صفات شخصیتی با وسواس مرگ، پیشنهاد می‌شود که در نمونه‌های بالینی، مثل اختلال وسواس فکری - عملی، بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در نمونه‌های سنی مختلف نوجوانی، جوانی، میانسالی و سالمندی نگرش‌های مربوط به مرگ و به تبع آن، وسواس مرگ بررسی شود.

پی‌نوشت‌ها

1. L. Koole, Y. Greenberg and T. Pyszczynski, "Introduction science to the psychology of the soul", *current Direction in psychological science*, v 15, p: 121-216.
2. Terror management.
3. A. B. Chon et al, "Intrinsic and extrinsic religiosity, belief in the after life. death anxiety, and life satisfaction in young catholics and protestants", *Journal research personality*, v 39. P: 307-24.
4. Existential approach.
5. Existential psychodynamics.
۶. مسعود نورعلیزاده و مسعود جان‌بزرگی، «رابطه اضطراب وجودی و اضطراب مرضی و مقایسه آنها در سه گروه افراد بزهکار، عادی و مذهبی»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۲، ص ۳۰.
۷. غلام‌حسین معتمدی، *انسان و مرگ: درآمدی بر مرگ‌شناسی*، ص ۴۵.
۸. فریده سلیمانی، «ترس از مرگ با تکیه بر دیدگاه ابن سینا و ملا صدرا»، *حکمت سینوی (مشکوه النور)*، ش ۷۵، ص ۱۰۲.
9. Thanatology.
10. Death distress.
11. G. Rajabi, "The psychometric properties of death obsession scale in freshman undergraduate students", *Journal Applied sciences*, v9, p: 360.
12. A. M. Abdel-Khalek., "The structure and measurement of death obsession", *Personality Indiv. Diff* v4, p: 159.
13. Death obsession.
14. Death rumination.
15. Death dominance.
16. Death idea repetition.
17. Allport.
18. Intrinsic orientation.
19. Extrinsic orientation.
۲۰. علی محمدزاده و محمود نجفی، «پیش‌بینی وسواس مرگ بر اساس سوگیرهای مذهبی: بررسی نقش جنسیت»، *روان‌شناسی بالینی*، ش ۲، ص ۶۶.
۲۱. حمید رفیعی هنر و مسعود جان‌بزرگی، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خود مهارگری»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳(۱)، ص ۳۲.
22. Emmonse.
23. Eysenk.
24. A. F. Jorm and H. Christensen, "Religiosity and personality: evidence for nonlinear associations", *Personality and Individual Differences*, v36, p: 1433-1441.
25. E. Egan et al, "Eysenk personality scales and religiosity in a use outpatient sample", *Personality and Individual differences*. v 37, p: 1023-1031.
26. L. J. Francis and R. Bourke, "personality and religion: applying cattles model among secondary school pupils", *Current psychology*, v22, p: 125-137.
27. Agreeableness.
28. Conscientiousness.
29. Neurticism.
30. Y. M. Henningsgard and R. C. Arnau, "Relationships between religiosity and personality :A multivariate analysis", *Personality and Individual differences*, v 42, p: 703-708.
31. Saroglou.
32. V. Saroglo, "Religion and the five factors of personality: a meta-analytic review", *Personality and Individual Differences*, v32, p: 15-25.
۳۳. مهدی عباسی و مسعود جان‌بزرگی، «رابطه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با پایداری هیجانی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳، ص ۵-۱۸.

34. Y. Maltby and L. Day, "The reliability and validity of the death obsession scale among English university and adult samples", *Personality and Individual Differences*, v28, p: 695-700.
35. A. M. A. Abdel-khalk, "The structure and measurement of death obsession" *Personality Indiv. Diff.*, v24, P: 159-165.
- ۳۶ علی محمد زاده و محمود نجفی، همان.
37. Structural equation modeling (SEM).
۳۸. حیدرعلی هومن، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، ص ۸۶.
39. Death obsession scale (DOS).
40. A. M. Abdel-khalk, "The structure and measurement of death obsession" *Personality Indiv. Diff.* v24, P: 159-165.
41. Goodness of fit index (GFI).
42. Adjusted Goodness of fit index (AGFI).
43. Comparative fit index (CFI).
44. Root mean square residual (RMSR).
۴۵. محمد نریمانی و بتول احدی، آزمون‌های شخصیت، ص ۷۶.
۴۶. ر.ک: مسعودجان بزرگی، بررسی اثر بخشی روان درمانگری کوتاه مدت با وبدون جهت گیری مذهبی بر مهار اضطراب و تنبذگی، پایان‌نامه دکتری.
۴۷. ر.ک: میرتقی گروسی، رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت.
48. P. T. JR. Costa and R. R. Mc Crae, "personality in adulthood: a six year longitudinal study of self-reports and spouse rating on the NEO personality Inventory", *Journal of personality and social psychology*, v54, p: 853-863.
۴۹. غلامرضا چلبیانلو و میرتقی گروسی، «رابطه آزمون شخصیت پنج عاملی NEO-PI-R با آزمون SCL-90-R نگاهی به قابلیت آزمون نئو در ارزیابی سلامت روانی»، *علوم رفتاری*، ش ۴(۱)، ص ۵۴.
۵۰. محمدعلی بشارت، صدیقه زرپور، احسانبهرامی، رضا رستمی و محمد جواد میر دامادی، «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی افراد مبتلا به نشانگان روده تحریک پذیر (IBS) و افراد غیر مبتلا، *روان‌شناسی بالینی*، ش ۵، ص ۱۲.
51. Gefen, D, Straub, D.W, & Boudreau, M.-C, Structural equation modeling and regression: Guidelines for research and practice. *Communications of the Association for Information Systems*, 7(7), p: 1-78.
52. Ibid.
53. Y. Maltby, and L. Day.
54. A. Abdel-Khalek, and D. Lester.
55. A. Abdel-Khalek, and Al-Sabwah.
56. M. Falkenhain and P. J. Handal, " Religion, death, attitudes, and belief in after life in the elderly: *Untangling the relationships*", v 42, p: 67-76.
57. P. wink, J. Scott, Dose religiousness buffer against the fear of death and dying in late adulthood? Finding from a longitudinal study. *Journal of gerontology*, v 60, p: 207-214.
58. Rocy and powels.
59. Individual personal meaning.

منابع

- اژه‌بی، جواد؛ و همکاران، «تعامل بین شخصیت و سبک‌های فرا انگیزشی در عملکرد شغلی»، *علوم رفتاری*، ش ۳، ۱۳۸۸، ص ۳۰۱-۳۱۰.
- بشارت، محمدعلی؛ و همکاران، «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی افراد مبتلا به نشانگان روده تحریک پذیر (IBS) و افراد غیر مبتلا»، *روانشناسی بالینی*، ش ۵، ۱۳۸۹، ص ۹-۱۶.
- جان بزرگی، مسعود، بررسی اثربخشی روان درمانگری کوتاه مدت با و بدون جهت‌گیری مذهبی بر مهار اضطراب و تنیدگی، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
- چلبیانلو، غلامرضا؛ گروسی فرشی، میرتقی، «رابطه آزمون شخصیت پنج عاملی NEO-PI-R با آزمون SCL_90-R: نگاهی به قابلیت آزمون نئو در ارزیابی سلامت روانی»، *مجله علوم رفتاری*، ش ۴، ۱۳۸۹، ص ۵۱-۵۸.
- حیدری، اسفندیار؛ و همکاران، «رابطه مذهب با اضطراب مرگ و هیجان خواهی»، *روانشناسی*، ش ۱۳، ۱۳۸۸، ص ۳۲۵-۳۴۱.
- رفیعی‌هنر، حمید؛ جان بزرگی، مسعود، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خود مهارگری»، *روانشناسی و دین*، ش ۳، ۱۳۸۹، ص ۳۱-۴۲.
- سلیمانی، فریده، ترس از مرگ با تکیه بر دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا، *حکمت سینوی (مشکوه النور)*، ش ۱۲، ۱۳۸۷، ص ۷۵-۱۰۲.
- عباسی، مهدی؛ جان بزرگی، مسعود، «رابطه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با پایداری هیجانی»، *روانشناسی و دین*، ش ۳، ۱۳۸۹، ص ۵-۱۸.
- گروسی فرشی، میرتقی، رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت، تبریز، جامعه پژوه، ۱۳۸۰.
- معتمدی، غلامحسین، انسان و مرگ؛ درآمدی بر مرگ‌شناسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- محمدزاده، علی؛ نجفی، محمود، «پیش‌بینی وسواس مرگ بر اساس سوگیری‌های مذهبی: بررسی نقش جنسیت»، *روانشناسی بالینی*، ش ۲، ۱۳۸۹، ص ۶۵-۷۲.
- محمدزاده، علی؛ اصغرزاده فرید، اسعد؛ عاشوری، احمد، «بررسی ساختار عاملی، روایی و اعتبار مقیاس مرگ، تازه‌های علوم شناختی»، ش ۴۱، ۱۳۸۸، ص ۱-۷.
- نریمانی، محمد؛ احدی، بتول، آزمون شخصیت، اردبیل، محقق اردبیلی، ۱۳۸۹.
- هومن، حیدرعلی، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- Abdel- khalek, A. M. (1998). The structure and measurement of death obsession. *Personality Indiv. Diff*, 24, p: 159-165.
- Al- Sabwah, M. N. , Abdel-khalek, A. M. (2006). Religiosity and death distress in Arabic college students. *Death studies*, 30(4), P: 365-75.
- Abdel-Khalek, A. M. and lester, D. (2003). Death obsession in Kuwaiti and American college students. *death studies*, 27, p: 541-553
- Costa, P. T. JR. , McCrae, R. R. (1981). Personality in adulthood: A six year longitudinal study of self-reports and spouse ratings on the NEO personality Inventory. *Journal of personality and Social psychology*, 54, p: 853-863.

- Choen A. B. , Pierce, Y. D. Chambers, J. , Mead. R. , Gorvine, B. Y. , Harold, G. , Koenig, H. G. (2005). Intrinsic and extrinsic religiosity, belief in the after life, death anxiety, and life satisfaction in young Catholics and Protestants. *Journal research personality*, 39, p: 307-324.
- Egan, E. , Kroll, J. , Carey, K. , Johnson, M. , Erickson, P. (2004). Eysenck personality Scales and religiosity in a use outpatient sample. *Personality and Individual differences*, 37, p: 1023-31.
- Francis, L. J. , Perason, P. R. (2001). Extraversion and religiosity, *Journal of social psychology*, 125, p: 269-270.
- Francis, L. J. , Bourke, R. (2003). Personality and religion: applying cattel model among secondary school pupils, *current psychology*, 22, p: 125-137.
- Falkenhain, M. Handal, P. J (2003). Religion, death, attitudes, and belief in afterlife in the elderly: *Untangling the Relationship*, 42, p: 67-76.
- Gefen, D., Straub, D.W., & Boudreau, M.-C. (2000). Structural equation modeling and regression: Guidelines for research and practice. *Communications of the Association for Information Systems*, 7(7). P: 1-78.
- Han S. , Qin, Y. , Ma, Y. (2010). Neurocognitive processes of linguistic cues related to death. *Neuropsychologia*, 48, 3436-42.
- Henningsgard, Y. M. , Arnau, R. C. (2008). Relationships between religiosity and personality: A multivariate analysis. *Personality and individual Differences*, 42, p: 703-798.
- Koole, L. , Greenberg, Y. and Pyszczynski, T. (2006). Introduction Science to the psychology of the soul. *Current Direction in Psychological Science*, 15, p: 121-216.
- Jorm, A. F. , Christansem, H. (2004). Religiosity and personality: evidence for nonlinear associations. *Personality and Individual Differences*, 36, p: 1433 -41.
- Maltby, Y. (1999). Personality Dimensions of religious orientation. *Journal of Personality*, p: 133, 631 - 40.
- Maltby, Y. , Day, L. (2000). Religious orientation and death obsession. *The Journal of Genetic psychology*, 16, p: 122-24.
- Maltby, Y. , Day, L. (2000). The reliability and validity of the death obsession scale among English university and adult samples. *Personality and Individual Differences*, 28, p: 695-700.
- Madeson, B. K. (1988). History of psychology in meta- scientific perspective. North-Holland.
- Rajabi, G. (2009). The psychometric properties of death obsession scale in freshman undergraduate students. *Journal of Applied Sciences*, 9, p: 360-365.
- Saroglou, V. (2002). Religion and the Five Factors of personality: a meta-analytic review. *Personality and Individual Differences*, 32, p: 15-25.
- Schmeichel, B. , Gailliot, M. T. , Filardo, E. , McGregor, L. , Gitter, S. (2009). Terror management theory and self-esteem revised: the roles of implicit and explicit self-esteem in mortality salience effects. *Journal of personality and Social Psychology*, 69, p: 1077-87
- Wink, P. , Scott, J. (2005). Does religiousness buffer against the fear of death and dying in late adulthood? findings from a longitudinal study. *Journal of gerontology*, 60, p: 207-214